

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: سازمان زنان ۸ مارچ (ایران-افغانستان)

۱۳ دسمبر ۲۰۱۷

دانشگاه تریبون آگاهی و انعکاس مبارزات توده‌هاست!

بیانیه مشترک در رابطه با اعتراضات اخیر جنبش دانشجویی

به مناسبت روز دانشجو و در روزهای پیش از آن شاهد برگزاری اعتراضات دانشجویان در برخی از دانشگاه‌های کشور بودیم. شاهد فریادهای رسای دختران و پسران مبارزی بودیم که عدم رضایت خود را از نظام اقتصادی - سیاسی و آموزشی کشور اعلام کردند. دختران و پسران جسوری را دیدیم که با اجرای یک نمایش مترقی در دانشگاه تهران به بازخوانی تاریخ سرکوب در ایران پرداختند. برخی از واقعیت‌های در خون غلتیده تاریخ معاصر مانند انقلاب فرهنگی اسلامی در سال ۵۹، کشتار کارگران شهر بابک خاتون‌آباد، اجباری شدن حجاب برای زنان و پولی شدن دانشگاه‌ها و ... برای نسل جوان دانشجو یک روایت و برای آگاهان به موضوع یک بازخوانی بود. بیانیه‌هایی نیز با تأکید بر همین مضامین از سوی شوراهای صنفی و نهادهای دیگر قرائت شد و در میان جمعیت توزیع گشت.

آری باز هم خواب سرکوبگران تا بن دندان مسلح و چکمه‌پوشان مسلط آشفته گشت و باز هم بخشی از جامعه که قرار بود صدایش خاموش شود، فضای دانشگاه را به تریبونی برای آگاهی توده‌ها تبدیل کرد و اعلام کرد که شرایط موجود را نمی‌پذیرد و در مقابل ستمی که روا می‌شود مقاومت می‌کند. دانشجویان فریاد زدند: «با تهدید با احضار، تسلیم نمی‌شویم این بار!»، «دانشگاه پول‌گردان، تضعیف زحمتکشان!»، «دانشجو آگاه است با کارگر همراه است!»، «کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد! اتحاد!»

این اعتراضات، این انرژی و این جنبه از مقاومت نسیم خوشی است که باز هم از دانشگاه وزیدن گرفته و باید تقویت شده و از آن دفاع کرد. جنبش دانشجویی به‌واسطه پویایی درونی خود یک جنبش سیاسی است که می‌تواند و باید تریبون توده‌ها باشد و ضمن افشاگری از ستم و استبداد موجود، به رهایی توده‌های ستمدیده فراخوان دهد. در بطن اعتراضات دانشجویی اخیر ما این وجه مهم از جنبش دانشجویی را به‌وضوح شاهد بوده و می‌خواهیم آن را برجسته کنیم. جنبش دانشجویی در شرایط عینی سیاسی متفاوتی نسبت به دهه ۷۰ و ۸۰ در حال اوج‌گیری است و نسل جدید دانشجویان در حالی وارد میدان مبارزه شده‌اند که شرایط اختناق داخلی در کشور و آشفتگی‌های جنگی در منطقه روزبه‌روز حادتر می‌شود. وضعیتی که تقریباً تمام جنبش‌های اجتماعی و اشکال گوناگون مبارزات توده‌ای با آن روبه‌رو هستند. با درک این وضعیت به اهمیت مبارزه‌ای که انجام شده بیشتر می‌توان پی برد و جنبه‌های درست آن را برجسته کرد و هم‌زمان کوشید تا به جدلی سازنده دامن زد که جنبه‌های دیگری که برای توقف وضعیت موجود و تغییر آن لازم است عمده شوند. مهمترین جنبه قابل دفاع

در حرکت اخیر تقابل آن با سیاست‌های نظم مسلط و عملکرد حاکمیت موجود است که با تمام کمبودها قابل دفاع است چون می‌تواند امکاناتی را فراهم سازد تا مبارزات آتی و کل جنبش دانشجویی تبدیل به چیزی شود که باید بشود، یعنی تربیون واقعی آگاهی و انعکاس مبارزات توده‌ها. اهمیت درک این موضوع نتیجه دیگری هم دارد و آن این‌که راه مبارزه واقعی را از بیراهه گرایشات اپورتونیستی جدا می‌کند. گرایشاتی که بدون درگیر شدن با واقعیت موجود خواهان تغییر آن هستند؛ بنابراین برای «تبدیل شدن» این جنبش به چیزی که باید بشود، ترسیم چنین خط تمایزی ضروری است، یعنی از یک‌سو مبارزه با حاکمیت باید برجسته شود و از سوی دیگر بر اساس تغییر واقعیت موجود حرکت کرده و ذهنی‌گرایی را رد کنیم.

به نظر ما جنبش دانشجویی رسالت خود را دارد و اتخاذ هر موضعی به درگیر بودن آن در فضاهای سیاسی - تاریخی مشخص وابسته است. نقاط قوت و کمبودهای آن را هم باید در همین چارچوبه دید. در مورد مبارزات اخیر شاهد نقاط قوتی بودیم که قابل‌ذکر هستند. مثلاً همان‌گونه که این جنبش ز لحاظ تاریخی در کنار زحمتکشان قرار گرفته بود، امسال هم توانست شعار اتحاد با کارگران، معلمان و اقشار تحتانی را اعلام کند. با تمام کمبودها اما به مسأله جنسیتی هم برخورد کرد و سیاست تفکیک جنسیتی را نفی کرد. رابطه خوبی میان وضعیت معیشتی توده‌ها و شرایط خاص دانشگاه در دوران تغییر و تحولات اقتصادی ایران برقرار کرد. در این مبارزات شاهد کمبودهای سیاسی مشخصی هم بودیم مثلاً همان‌گونه که این جنبش زمانی تربیون انقلاب رهائی‌بخش مردم ایران بود و دیرزمانی است که با اهرم دین و چماق میزبان نماز جمعه است، شعار و بحثی از مبارزه با جهل و خرافات در میان نبود حتی در بیانیه‌های صادر و پخش شده. جای خالی مرزبندی با خرافات مذهبی یکی از مواردی است که جنبش دانشجویی از لحاظ تاریخی به جامعه بدهکار است و امسال هم به هر دلیلی در این مبارزات جایی نداشت. اگر زمانی جنبش دانشجویی مدافع مبارزات ظفار و مخالف لشکرکشی شاه به عمان بود و در دهه هشتاد سیاست و شعار «نه به استبداد داخلی، نه به جنگ امپریالیستی!» را حمل می‌کرد اما امسال جای خالی مرزبندی با سیاست‌های جنگی حاکمیت در منطقه در کنار خطر برخوردهای نظامی فاجعه‌بار تعجب‌برانگیز بود. سیاست‌های جنگی که حاکمیت آن را به اشکال مختلف در جامعه ایدئولوژیزه کرده، مصیبت‌های فراوانی برای توده‌های خاورمیانه و ایران به وجود آورده و اتفاقاً دانشگاه مرکز مهمی برای این پمپاژ فکری توسط حاکمیت محسوب می‌شود. این سیاست باید قویاً محکوم شود. عدم مرزبندی با جنگ یا تبارزات داخلی و بین‌المللی آن نه تنها یک جای خالی در میان شعارها بلکه بیش از آن حفره‌ای سیاسی در شانزده آذر امسال بود.

آن‌هایی که مستقیماً درگیر مبارزه هستند و آن‌هایی که به‌طور غیرمستقیم با این جنبش و مبارزات آن مرتبط هستند، وظیفه دارند که آگاهانه راه را برای تبدیل کردن سطح کنونی مبارزات به سطحی رهائی‌بخش هموار سازند، به سازماندهی آگاهانه بدمند، به خط تمایز میان حاکمیت و نهادهای آن و جوانان جویای تغییر اهمیت داده تا این جنبش هر چه هوشیارتر و مبارزات آن بالندتر شود و آن موقع است که رعد و برقش تکان‌دهنده خواهد بود و صدای مردم را منعکس خواهد کرد. بسیار بلندتر از چیزی که اکنون شاهد آن هستیم. ما با چنین رویکردی یعنی دفاع نقادانه، راه را برای جمع‌بندی از این مبارزات هموار کرده و مانند تمام نیروهای خواهان تغییر، بار چنین مسؤلیتی را بر دوش خود نیز می‌بینیم چراکه بدون این کار مبارزات به نتایج رهائی‌بخش نخواهند رسید.

زنده باد مبارزات حق طلبانه و آگاهانه جنبش دانشجویی!

کمیته جوانان - بلجیم

سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان) - بلجیم

۱۹ آذر [قوس] ۱۳۹۶ - ۱۱ دسمبر ۲۰۱۷